

نمایش گنجینه‌ای از یادگاری‌های یلدا

مجموعه‌ای از آثار گنجینه کاخ موزه اختصاصی نیاوران در قالب چیدمان کرسی و سفره یلدا به مناسبت شب چله به نمایش گذاشته شد. این نمایشگاه با هدف تکریم آیین سنتی شب یلدا و معرفی این آیین ثبت جهانی شده که ریشه در فرهنگ ایرانیان دارد برای عموم به‌ویژه نسل نو و برقراری پیوند بین میراث ناملموس و میراث ملموس موجود در گنجینه کاخ اختصاصی نیاوران، کرسی و سفره شب یلدا با استفاده از اشیای موزه‌ای

چیده شد. ظروف مطلا و نقره (قلمزنی)، سماور، زیر سماوری و قوری نقره (هنر قلمزنی)، رومیزی تکه‌دوزی، پشه‌دوزی و سرمه‌دوزی که بافت کرمان بوده و متعلق به اواخر دوره قاجار است، فرش بختیاری کرک و پشم، لاله و... از جمله آثاری است که در چیدمان کرسی و سفره یلدا از آنها استفاده شده است. تابلو نقاشی اثر هوشنگ پرشک‌نیا، تابلو نقاشی اثر هنرمند فرانسوی آندره کوئیر (Andre Quillier)، گرامافون کتابخانه

اختصاصی نیاوران و صندوقچه چوبی با تزئینات گل میخ متعلق به اواخر دوره قاجار دیگر آثاری هستند که در معرض دید قرار گرفتند. علاقه‌مندان برای دیدن این آثار می‌توانند تا ۲۹ آذر تا پنجم‌دی ماه همه روزه از ساعت ۹ تا ۱۶ به کاخ موزه اختصاصی مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران واقع در میدان شهید باهنر (نیاوران) مراجعه کنند.



«جام جم» به بهانه شب چله وجوه اثربخشی اشعارحافظ شیرازی را بررسی می‌کند

همراه بالسان الغیب در درازنای تاریخ

من این حروف نوشتنم چنان‌که غیر ندانست

هستند و با تفسیر و تأویل‌هایی که در آن، از فرهنگ و تفکر زمانه حافظ و روزگاران پیش از آن مایه می‌گرفته، به هم متصل می‌شوند. در مقام تشبیه می‌توانیم بگوییم که شعر حافظ مانند قنات‌های ما ایرانیان است؛ در ظاهر ما فقط چاه‌های از هم جدا می‌بینیم درحالی‌که این چاه‌ها که با فاصله پنجاه تا صد متری حفر می‌شدند، از زیر به هم متصل هستند و آب کوhestان را در کیلومترها دورتر به آبادی‌ها می‌رسانند؛ آن آب زلالی که به دست اهالی آبادی می‌رسد همان حافظه فرهنگی و تاریخی ملتی است که از درازنای تاریخ به دست خواننده می‌رسد.

حافظ در آینه اندیشه تاریخی ایرانیان

زمانی‌که پدیده‌ای مانند دین اسلام در فرهنگ و تمدن ملتی، ظهور پیدا می‌کند ما شاهد تأثیرپذیری و بده‌بستان‌هایی در میان گفت‌ها ما خواهیم بود؛ از این رو پدیده‌ای مانند یک متن ادبی، همچون سنگی است که در برکه‌ای بیندازیم، حافظ هم سنگ بزرگی است که در بستر فرهنگ و تمدن ایران می‌نشیند، او متون بسیاری را از شرق تا غرب و از ایران باستان گرفته تا مکتوبات معاصران خود، همه را مطالعه کرده، تأثیر گرفته و تأثیر گذاشته است. شعر او در طول تاریخ مورد توجه جریان‌های فکری و طیف‌های گوناگونی از جامعه قرار گرفته و هرکدام به فراخور مواضع فکری و چارچوب اندیشه خود با اشعار او مواجه شدند و تصویر جدیدی از شاعر ترسیم کرده‌اند. این پدیده البته منحصر به حافظ نیست اما این تلون در تفاسیر را شاید هیچ چهره‌ای در تاریخ

ادبیات تجربه نکرده است به همین دلیل اگر بخواهیم از دگرگونی‌ها و گسست‌های ادبیات در اندیشه مردمانی که در طول این هفت قرن زیسته‌اند آگاه شویم، می‌توانیم به تصویری که آنها در آینه غزل حافظ از خود به جای گذاشته‌اند، رجوع کنیم.

حافظ در نگاه شاعری از سلسله تیموریان

در قرن نهم، و در اواخر حکومت تیموریان، نورالدین عبدالرحمن بن احمد بن محمد جامی ملقب به خاتم الشعرا، در کتاب «نفحات‌الانس» که تذکره‌ای است در شرح زندگی عارفان و صوفیان، به ذکر نام، شرح احوال و افکار



احتمال زیاد از سروده‌های شخصی به نام «این ووه‌اوه دمشقی» است.

حافظ در جریان‌ات پس از انقلاب مشروطه

سال‌ها پس از این ماجراها و پس از جریان‌های انقلاب مشروطه، موضوع مورد بحث گفت‌مان حافظ به کلی تغییر می‌کند و بار دیگر به فراخور شرایط جامعه، بازنمایی می‌شود؛ برای اولین بار طی تمام این سال‌ها، مرد ادیب‌و سیاستمداری



۱۱

حافظ با به‌کارگیری ابهام به خوانش تمام خوانندگانش پاسخ مثبت می‌دهد.

۱۰

حافظ همچنان پاسخگوی نیازمختقانی چون زربین کوپ، نوشون و شقایق اشعار را می‌کند.

۹

احمد شاملو ضمن توجه ویژه به اشعار حافظ، برداشت ونگاهی غیردینی از حافظ دارد.

۸

ادیب و سیاستمداری چون ملک‌الشعراى بهار، حافظ را شاعری سیاسی معرفی می‌کند.

۷

هرکس به فراخور مواضع فکری و اندیشه خود یا اشعار حافظ مواجه می‌شود.

۶

شعر او همواره مورد توجه جریان‌های فکری گوناگون از جامعه بوده است.

۵

حافظ متون بسیاری از شرق تا غرب و از ایران باستان تا معاصران خود را مطالعه کرده.

۴

حافظ همچون سنگ بزرگی است که در بستر فرهنگ و تمدن ایران می‌نشیند.

۳

حافظ در محتوا، فرم و شکل، ویژگی‌های شعر گذشته را با خود حمل می‌کند.

۲

کتاب‌کنش زنجشیری، همدم حافظ در تحصیل و تدریس بوده است.

۱

لب لسان الغیب از یک جنبه، مرتبط با راز بر خورده شاعریا مخاطب است.

امیرحسین قلاح گروه فرهنگ

ایران زمین، نقطه قوت اندیشه فارسی‌زبانان و همچنین عرصه ظهور بزرگ‌ترین چهره‌های تاریخ این ملت است؛ چنان‌که فردوسی بزرگ به مدد شاهنامه روایتگر سرگذشت پرمجاری ملت ایران است و استاد سخن، سعدی با بوستان و گلستان در نظم و نثر شاهکار می‌آفریند و بزرگ‌ترین آموزگار ادب فارسی است اما هرگاه بخواهیم از فرهنگ و ادب

پارسی سخن بگوییم، این روح اشعار و غزلیات خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی است که پدیدار می‌شود؛ فرهنگ ایران در طول تاریخش بستر رشد، تحول و تقابل گفت‌مان‌های گوناگونی بوده و شعر «حافظ» عصاره این گفت‌مان‌هاست و در همین حال، گفت‌مان‌ها ساحت وجودی انسان است. چگونگی اجماع این تعداد صفات و جلوه‌های ناهمگون، شاهکار حافظ است. اما این‌که چگونه غزل حافظ توانسته چنین باری را بر شانه‌هایش حمل کند و میزبان پرمجاری‌ترین اندیشه‌ها باشد، موضوعی است که در آستانه بلندترین شب سال که تفال به اشعار حافظ زینت‌بخش مراسم شب یلداى ایرانیان است، با دکتر یحیی عطایی، عضو هیأت

علمی دانشگاه پیام نور و مدرس دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه فرهنگیان مطرح کرده‌ایم. او که شعر حافظ را عصاره‌ای از هویت و فرهنگ ایرانی می‌داند، معتقد است که در صدر تمام ویژگی‌های غزل حافظ، توجه شاعر به فرم و بیان است که چنین امکانی را میسر کرده و نقطه عطف غزل حافظ اجرای این فرم در تمام سطوح شعر، از واژه و جمله تا کل غزل و در نهایت، ساخت گفت‌مان است. در ادامه درمطلبی که به قلم ایشان آمده این موضوع را دنبال می‌کنیم.

چرا حافظ؟

«حافظ، حافظه ماست»؛ این سخن استاد خرمشاهی که نام کتابی از ایشان نیز هست، اشاره‌ای جدی‌تر از صرفاً یک جناس دارد زیرا به‌راستی شعر حافظ عصاره فرهنگی ما است. با تمام فشرده‌گی نسبت به آثار نظامی، سعدی، مولانا، جامی و صائب، غزلیات حافظ را می‌توان روزنامه‌ای در نظر گرفت که به شکل تیتروار به بسیاری از مسائل مهم اشاره کرده، در عین حال در ژرفای این تیتراهای برجسته، مسائل تاریخی و فرهنگی پرشمار خفته است. اشعار حافظ گسسته‌نما هستند و به ظاهر بین ابیات غزل ارتباط مستقیم و سر راست معنایی دیده نمی‌شود. همان‌گونه که استاد شفعی نیز گفته‌اند، برخلاف کسانی چون ناصرخسرو که اشعارشان محور عمودی سراسرت و استواری دارند، شعر حافظ جانب محور افقی را نگه داشته است. این گسسته‌نمایی از زمان خود شاعر منتقدانی داشته است، اما باید در نظر داشت که این مسائل در زیرساخت با هم در پیوند و اتصال

قطعه

گروه سون و یلدایی دیگر

شهاب حسینی و امین زندگانی را به‌عنوان بازیگر می‌شناسید و امیرحسین مدرس را به عنوان مجری ولی شاید برای‌تان جالب باشد که این سه نفر کنار هم سال‌هاییش با گروه «سون» یک قطعه به نام یلدا ضبط کرده‌اند که گوش‌دانش در شب یلدا خالی از لطف نیست. با نواى گیتار الکتریک و تنظیمی مدرن آهنگ یلدا حال و هوای خاصی میان آهنگ‌های مناسب شب یلدا دارد. صدای خواننده‌هایش خوب است و ریتم تندی هم دارد که احتمالاً نسل جوان از آن بیشتر لذت خواهند برد. به علاوه ترانه ساده اما جذابی دارد که به محبوبیت کار اضافه کرده‌است.



طنین

آخرین یلدا

«آخرین یلدا» نیز از آن آهنگ‌های پایی است که احتمالاً طرفدار زیاد پیدا می‌کند. ترانه عاشقانه ساده‌اش را خود افشین سپاهپوش گفته، ملودی آن از ساناز کریمی است و پویان انصاهی کار تنظیم قطعه را انجام داده‌است. نکته ویژه‌ای ندارد اما به‌عنوان یک آهنگ مناسبی قابل قبول است، همه چیزش خیلی ساده است و برای شنیدن در جمع دوستان و خانواده پای سفره یلدا می‌تواند گزینه خوبی باشد. افشین سپاهپوش از آن دسته خوانندگانی بود که در فضای مجازی کارش بیشتر گرفت. از سپاهپوش چند آلبوم منتشر شده‌است. سپاهپوش چهار سال پیش برای اولین بار کنسرت برگزار کرد و آهنگ‌های آلبوم‌هاش را به صورت زنده اجرا کرد.



همیشه با تو بودن آرزوم بوده

به احساس هم عادت کردن آسون نیست

نمیگم معجزه‌ست اما میگم عشقه

باز شب یلدا اوامد

در میان آهنگ‌هایی که برای شب یلدا سروده شده‌اند، بی‌شک زیباترین‌شان برای بچه‌ها قطعه «باز شب یلدا اوامد» باشد. یک قطعه شاد و سرخوشانه که متاسفانه خواننده‌اش معلوم نیست و با همخوانی کودکان شکل گرفته است. ترانه‌ای بسیار هماهنگ با حال‌وهوای کودکان و صد البته ریتم عالی، ملودی ساده در حد یک میزان که در طول قطعه تکرار می‌شود. در این ترانه، شاعر تلاش کرده است به زبان ساده برای بچه‌ها بگوید که شب یلدا چه ویژگی‌هایی دارد. به‌عنوان یک ترانه کودکانه همه امتیازهای مثبت را می‌گیرد.



ترانه ساده و شاد و آموزنده،

ملودی ساده‌ که می‌شود

با آن همراهی کرد و در کل

قطعه‌ای که حال کوچک‌ترها

و بزرگ‌ترها را خوش می‌کند.

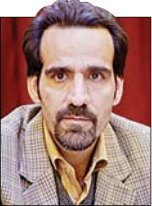
نماهنگ



یادداشت

علی‌آنی‌زاده، پژوهشگر و مدیر «فرهنگ مردم» مرکز تحقیقات صداوسیما

ترکیب زیبای آموزه‌های اسلامی با مفاهیم ملی



در فرهنگ عامه ایران، زمستان نسبت به سه فصل دیگر پربین‌ترین فصل سال است و شب چله آغاز و مهم‌ترین آیین این فصل محسوب می‌شود. زمستان به‌صورت واقعی در گذشته بیشتر از دی ماه آغاز می‌شده و سلامت‌رسیدن تابهار به مدد آیین‌هایی سرگرم‌کننده انجام می‌گرفت. آیین‌های چون کوسا گلین، برفی‌کردن، اسبندی یا اسفندی، خورنربنی، نوروز قادیمین، جل جلانی، رشکی و ماسی، ناقلادی، عروس گولی، پیرپایو، سده و... که شب چله سرازآغاز این آیین‌ها محسوب می‌شد، به نظر می‌رسد آغازگری آیینی به‌ویژه در فصل پربیین و بااهمیت زمستان، یکی از دلایل ماندگاری شب چله است. جشن شب چله گرچه در طبقه جشن‌های ملی قرار دارد اما به خوبی توانسته آموزه‌های دینی را در خود جای

دهد و آن را به یک ارزش افزوده تبدیل کند. یکی از کارکردهای تمامی جشن‌ها اعم از جشن‌های ملی، مذهبی، گذار و خانوادگی، برآوردن نیاز اجتماعی انسان ایرانی است از این‌روست که پیوند مهرورانه خویشاوندان با یکدیگر در یک بازه زمانی، آیینی و مقدس همچون شب چله زمینه‌ساز روابط حسنه می‌شود. از کارکردهای ارزشمند اما مغفول این جشن بزرگ، دستگیری از خانواده‌های کم‌برخوردار بوده است و این مهم، آیین‌ورانه و با حفظ حرمت خانواده‌های مستمند تحقق می‌یافت. مثلاً در لرستان تقسیم خوراکی‌های شب چله در قالب رسم «کاسم سا» یعنی کاسه همسایه انجام می‌شد؛ رسمی دوسویه و به دور از رفتار زننده کمک‌کردن با منت و فخر فروش. در بسیاری از مناطق ایران از جمله روستاهای پرورچرد در شب چله، مجمعه‌ای از خوراکی‌های این شب برای مسلمانان و حجامی روستا تحت عنوان «پاییزونه» فرستاده می‌شد و این امر به نوعی یادکرد و پاسداشت زحمات یکساله شاغلانی بود که به نوعی در طبقه فرودست جامعه قرار داشتند. هدیه فرستادن برای نوع‌روسان و تازه دامادها در قالب «شب چله‌ای فرستادن» یکی از شیوه‌های ظریف مهرورزی بود که افزایش محبت جوانان در رکنان خانواده را به همراه داشت. هدیه فرستادن برای نوع‌روسان در شب چله در تمامی گستره ایران برپا بود و یادآسانی مختلف آن نشان از فراگیری و اهتمام تمامی ایرانیان به این امر مقدس دارد: «شب چیلیگی» در نیشابور، «چیله طباقی» (فرستادن طبق چله) در ارسباران، «شورمسانی» در سمنندج و...

رفتار باورمندانه مردم گذشته با زیست‌بوم، اقلیم و محیط جغرافیایی و طبیعی آنها پیوند داشته است. مثلاً مردم حوزه کویر چون علویچه اصفهان و ایرکوه خوردن هندوانه و خربزه در شب چله را برای پیشگیری از گزش جانوران گزنده همچون مار، عقرب و زنبور... که در آن مناطق زیاد بود... مفید می‌دانستند و مردم طبس برای دور ماندن از عطش تابستان و ایجاد خنکی جگر و رودباری‌ها برای تشدید نشدن سرمای هوا در زمستان! و این کمک کلی خوراکی‌های شب چله در افواه مردم بود که «هندوانه‌ای که زمستان خورده شود خاصیتش در تابستان پیدا می‌شود». ناگفته پیداست حتی اگر به لحاظ پزشکی روی خواص این میوه‌ها و خوراکی‌ها تأمل نکنیم، می‌توانیم بگوییم که خوردن خوراکی‌ها با نیت و آرزوی سلامتی و تندرستی خود می‌تواند به لحاظ روانی زمینه‌ساز سلامت جسم و جان را فراهم آورد. اثر رسانه‌های نوین همانا ضریب دهی و وزن دهی به تولیدات دیداری و شنیداری است. رادیو و تلویزیون به واسطه این امکان، فرصت ذی‌قیمتی در اختیار دارد تا در راستای جهت‌دهی و عمق‌بخشی به آیین‌هایی چون شب چله مخاطبان را با گذشته خود آشنا سازند؛ گذشته‌ای که چراغ راه اکنون و آینده آنها خواهد بود. اما باید در نظر داشت در عصری که دنیا به سوی مناسک‌سازی پیش می‌رود، رسانه ملی به جای فرصت‌آفرینی، فرصت‌سوز بوده به همین خاطر اهتمام بیشتری برای جریان کاستی‌های گذشته و تغییرات زیادی که به علت روند شتابان سبک زندگی بر آن تحمیل خواهد شد از این رسانه انتظار می‌رود.